

۲۱ حساب بانکی برای يك نفر!

ماه‌ها بود که تصمیم به انجامش داشتیم، اما مثل خیلی از کارهای دیگر یا وقت نبود، یا حال نبود، یا روز تعطیل بود. بعد از تمام این جریان‌ها، سرانجام در یکی از روزهای همین هفته‌ای که به پایان رسید، عزمم را جزم کردم تا بلکه بتوانم تصمیم را عملی کنم.

به احتمال زیاد بسیاری از شما خوانندگان نیز چنین تجربه مشترکی را داشته باشید که برای هر فعالیت مالی از قبیل قرارداد کاری با هر نهاد، شرکت و سازمان، یا برای دریافت هر نوع تسهیلات، به افتتاح حساب در یک بانک مشخص و حتی یک شعبه مشخص مجبور باشید، به طوری که فلان سازمان اکنون تنها شعبه‌ای از فلان بانک را قبول دارد و شما حتی اگر در شعبه دیگری از این بانک حساب داشته باشید، باید در شعبه مدنظر آن‌ها حساب جدیدی افتتاح کنید و این موضوع درباره دریافت تسهیلات نیز صادق است.

تنها در یک مورد آن، برای پست دفترچه آماده به خدمت، باید یک حساب در بانک سپه افتتاح کنید. پس از شروع خدمت و مشخص شدن ارگان محل خدمت هم باید با توجه به آن ارگان در بانک دیگری حساب باز کنید. حساب بانک سپه در عمل هیچ استفاده‌ای برای شما نخواهد داشت و مهلت استفاده از حساب دوم نیز حداکثر ۲۱ ماه است.

من که از مدت‌ها قبل این موضوع ذهنم را درگیر کرده بود، با یک حساب و کتاب سرانگشتی به عدد شایان توجه ۲۱ حساب بانکی برای خودم رسیدم. حساب‌هایی که جز دو یا سه مورد آن، بقیه هیچ استفاده‌ای برایم ندارند و هر کدام هم چندرغازی در مانده‌شان وجود دارد. همین موضوع سبب شد که تصمیم بگیرم تا تک این حساب‌ها را ببندم. همین عزم جزم باعث شد که طی یک روز بخش زیادی از این حساب‌ها را ببندم.

جالب‌ترین اتفاق در این میان، واکنش کارمندان بانک‌ها به درخواستم و تلاش‌های گاه‌وبیگاه برای منصرف کردنم بود. برخی از این حساب‌ها حتی زیر هزار تومان موجودی داشت که امکان ارائه وجه نقد معادل به من نبود، اما اصرار من بر بستن حساب، آن‌ها را به صرافت می‌انداخت. راهکاری مقابل پایم قرار دهند و حتی در برخی از بانک‌ها، به عنوان یک راهکار، مانده حساب را در قبال سند انتقالی به حساب یک مؤسسه خیریه که در همان بانک حساب داشت، منتقل می‌کرد تا مانده حسابم صفر شود و بستن حساب ممکن.

در کنار پشت سر گذاشتن یک دوره فشرده مقایسه عملکرد بانک‌ها، به نتایج جالب دیگری هم رسیدم؛ هر چند بیشتر این حساب‌ها مبالغ بسیار ناچیزی در خود داشتند، اما وقتی تمامی این مبالغ با هم جمع شدند، به رقم جالب توجهی رسیدند.

احتمالا خیلی از شما خوانندگان هم، خواه به علت سیستم اداری مالی بیشتر سازمان‌ها یا تسهیلات دریافتی حساب‌هایی در بانک‌های مختلف داشته باشید که در نگاه جزئی به جزء، حتی ارزش رفتن تا بانک و دریافت آن مبلغ و بستن حساب را هم نداشته باشد. اما همین تفکر نمره‌اش می‌شود میلیون‌ها حساب را که در بانک‌های مختلف با مانده‌های مجموع بسیار نجومی و باورنکردنی که نه کسی سراغشان را می‌گیرد و نه زیاد توجهی به آن‌ها می‌شود و کاملاً رها شده به شمار می‌آیند و می‌توانند بستر مناسبی برای فسادهای مالی احتمالی باشند.

با خودم فکر می‌کنم که مردم چه تعداد حساب بدون استفاده، با چه میزان موجودی دارند که به عنوان منابع مالی، به صورت رایگان در اختیار بانک‌ها قرار گرفته است؟ ارقامی که به راحتی به چندین و چند هزار میلیارد تومان می‌رسد و کسی از آن‌ها خبری نمی‌گیرد و همین می‌تواند ظرفیت وجود فساد را با استفاده از این ظرفیت بالا ببرد. حساب‌هایی که اگر کسی از آن‌ها برداشتی داشته باشد و حتی واریزی به آن‌ها انجام شود، هیچ کدامان هیچ اطلاعاتی از آن‌ها نخواهیم یافت. حالا شما هم یا خود حساب کنید که چند حساب در چند بانک دارید؟ یا چند تا از آن‌ها کار می‌کنید و فعال هستند؟ تا حالا شده به بستن حساب‌های بدون استفاده خودتان فکر کنید؟

هر روز اتفاقات این هفته را اختصاص دادیم به ماجرای دستگیری الکس، پدر مافیای قاچاق دختران ایرانی، که در باره ریزش این هفته بورس نوشتیم و البته مثل همیشه کر و نا هم دست از سر صفحه هر روز برنداشت.

درآمد میلیونی از قاچاق دختران ایرانی



گذاشته بودند. به گفته همدستان الکس، درآمد او از فروش دختران ایرانی ماهانه ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان بوده است. درباره گذشته این فرد در رسانه‌ها آمده است: شهروز سخنوری پیش از سال ۹۰ مقیم آمریکا بود که به علت فعالیت‌های غیرقانونی از این کشور دپورت و مدتی در دبی ساکن شد. او از دبی نیز به علت ارتکاب جرائمی مانند تجاوز به زنان و دختران دپورت شد تا به ایران بازگردد. مانلی، دست راست الکس، درباره علت دپورت شهروز سخنوری از دبی می‌گوید: «الکس با چند تن دیگر در دبی به گروگان‌گیری اعضای یک خانواده اقدام کردند. آن‌ها جلو چشم پدر خانواده به مادر خانواده و دختر آن‌ها تجاوز کردند. الکس به دلیل این کار ۶ ماه زندانی و بعد هم دپورت شد.» الکس بعد از بازگشت به ایران با مانلی دوست شد تا همراه با مادرش و مانلی شبکه مخوف خود را پایه‌گذاری کند.

اواسط هفته خبر دستگیری «الکس» در مالزی به خبر اول رسانه‌های کشور تبدیل شد. چرا؟ چون شهروز سخنوری، ملقب به الکس، سرکرده باند قاچاق و فروش دختران ایرانی در خارج از کشور بود. او سال ۹۰ و بعد از دپورت شدن از دبی، همراه با مادرش و یک دختر معروف به «مانلی» به تأسیس باند اسکورت دختران ایرانی اقدام کرده بود. صنعت اسکورت دومین صنعت غیرقانونی در دنیا محسوب می‌شود که الکس نمونه ایرانی آن را با مادرش و مانلی راه‌اندازی کرد. در این صنعت که در حقیقت روسپیگری سازمان یافته است، حدود ۴۰ میلیون نفر در دنیا فعالیت می‌کنند. الکس بعد از راه‌انداختن سرویس اسکورت ایرانی، ایران را به مقصد مالزی ترک کرد تا از این کشور به مدیریت باند خود بپردازد. الکس در تمام این مدت طعمه‌های خود را از میان دخترانی انتخاب می‌کرد که تصاویر برهنه خود را در اینستاگرام به اشتراک

لاریجانی کجایم؟

لاریجانی هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. همه از او به عنوان گزینه اصلی کاندیدای ریاست جمهوری ۱۴۰۰ جریان اعتدال‌گرا یاد می‌کنند، ولی خبرگزاری فارس این هفته از احتمال طرح نام او برای «دبیری شورای عالی امنیت ملی» خبر داده است. لاریجانی پیش‌تر از مرداد ۸۴ تا مهر ۸۶ دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، اما بعد از اختلافات با احمدی‌نژاد این سمت را ترک کرد. البته این را هم بگوئیم که دبیری شورای عالی امنیت ملی با نامزدی احتمالی او در انتخابات ۱۴۰۰ منافاتی ندارد.

۷ خردادماه ۹۹ یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با حضور منتخبان مردم در خانه ملت آغاز خواهد شد و بر این اساس، اعتبارنامه این منتخبان بررسی می‌شود و به‌طور رسمی مجلس یازدهم کار خود را آغاز خواهد کرد. یکی از علامت سؤال‌های بزرگ پیش روی این تغییر، انتخاب رئیس مجلس جدید است. صندلی‌ای که برای ۱۲ سال پی‌پی در اختیار لاریجانی بود و به همین دلیل است که مجلس بدون ریاست لاریجانی برای نسل جدید کمی نامفهوم است. در کنار جنجالی که برای انتخاب رئیس مجلس جدید، هفته‌هاست در رسانه‌ها به پا شده است، سرنوشت

